

روز جهانی کارگر و حبس خانگی بشریت جهان

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت- ثور)، روز اتحاد و همبستگی انترناسیونالیستی کارگران جهان، تنها روزی از سال است که کارگران و زحمتکشان، فقرا و ستمدیدگان، فروشندگان نیروی کار و محروم شدگان از زندگی شایسته انسانی در سراسر جهان سالیان سال بود که در این روز در اعتراض به نظام سارقانه سرمایه‌داری با برپایی تظاهرات و گردهماییها، خواستها و مطالبات بحق خود را با صدای بلند اعلام میکردند.

اما امسال، سال ۲۰۲۰ (۱۳۹۹) در اثر تدبیر اربابان جهان- صاحبان پول و فرامین دولتهای حرفشنو ایالات تابع آنها، بشریت جهان حبس خانگی شد و کارگران ستمدیدگان جهان از این یک روز جشن و رزم خود علیه سرمایه‌داری و بهره‌کشی نیز محروم گردیدند.

جای بسی تأسف است که احزاب و سازمانها و گروهها و افراد فعال در عرصه دفاع از حق مسلم طبقه کارگر و سایر اقشار محروم جامعه براحتی مرعوب دهشت‌آفرینی و جنگ روانی نخبگان جهانی و اوامر دولتهای ایالتی شده، آرام و سر به زیر، بدون اعتراض و کمترین مقاومتی، عافیت طلبانه خود را در خانه زندانی کرده، در عمل به این توهم دامن زدند که گویا اربابان پول و نظام پزشکی وابسته به آن انساندوستی پیشه کرده و به فکر تندرستی و بهزیستی بشر افتاده است. **بیگمان، اگر «در بر همین پاشنه بچرخد»، بعید نیست در سال ۲۰۲۱ پس از واکسیناسیون با واکسنهای سفارشی بنیاد «خیریه» آفا بیل و خانم ملیندا گیتس (اگر زنده بمانیم)، با بدنهای حاوی چپ در شرایط هر چه مطلوبتر آقایان جهان به استقبال روز جهانی کارگر خواهیم رفت. امسال، روز اتحاد کارگران جهان، روز رزم علیه سرمایه نبود؛ روز «فاصله اجتماعی»، روز از هم گسستگی استثمارشوندگان بود.**

چه تدبیری، چه برنامه‌های بهتر از این؟! روز جهانی اتحاد کارگران را به این ترتیب به شب رساندیم؛ جلیقه زردهای فرانسه حبس خانگی شدند و دیگر به خیابانها نمیآیند؛ کاتالونیا به تجزیه‌طلبی متهم نمیشود؛ اعتراضات آبان ماه به گرانی سه برابری بنزین دیگر تکرار نمیشود؛... دیگر نه سرکوبهای خونین در اینجا و آنجا بوقوع میپیوندد، نه سرکوبگران به خشونت دست میزنند؛ نه خونی ریخته میشود و نه کسی بازداشت و زندانی میگردد؛ نه کسی حق میطلبد و نه کسی دست به اعتراض میزند. با این وضع، وقتی که هر کسی از بیم ابتلا به کروناویروس- ضعیفترین ویروس (بگفته میکروب شناسان)، در اجرای فرامین دولتهای تحت امر آقایان جهان خود را حبس خانگی میکند، اصلاً زندان و زندانبان موضوعیت خود را از دست میدهد. چرا که ندهد! تودهها از صحنه خارج میشوند و در غیاب تودهها، هر دستوری نخبگان جهان صادر بفرمایند، دولتهای گوش فرمان ایالتهای تابعه مو به مو اجرا میکنند. به چاپ به چاپ راحت و بیدردسر، با شدت و حدت هر چه بیشتر ادامه مییابد.

حالا، همه دلخوشیم به اینکه در حبس خانگی اینترنت داریم، رایانه و تلفن هوشمند داریم. با کمک آنها نیز مبارزه‌مان را ادامه میدهیم، درس میآموزیم، روشنگری میکنیم، به آگاهسازی و اطلاع‌رسانی مشغولیم. اما فراموش میکنیم، که روشنگری، اطلاع‌رسانی، آگاهسازی، نظریه‌پردازی، حتی بطرز کاملاً انقلابی، بدون عمل و اقدام انقلابی، فقط و فقط بمعنی خود تسکینی است؛ بیثمر است. بفرض که در حبس خانگی بهترین و کارآمدترین راه و چاره مقابله با ویروس سرمایه‌داری را یافتیم. بعد چه؟ در حبس خانگی چگونه آن را محو خواهیم کرد؟ اگر فردای روزگار گفتند طاعون یا وبا شایع شده، در داخل خانهها، حلییابادها و زاغها نیز رعایت «فاصله اجتماعی» را برای حفظ سلامتی ضروری اعلام کردند و رعایت فاصلها را نیز زیر نظارت گرفتند، چه خواهیم کرد؟

راستی، بدجوری دارند انسان را به بردگان نوین مالکان پول تبدیل میکنند!
پول سالاران اول ماه مه را نیز از طبقه کارگر دزدیند. آی انسان انسانها، با خرد جمعی همتی!

ابراهیم شیری

<https://eb1384.wordpress.com/2020/05/01>

۱۲ اردیبهشت- ثور ۱۳۹۹

--

